

دربارهٔ این مجموعه

مجموعهٔ «نظریه و روش در مطالعات تاریخی»، که کتاب حاضر در زمرهٔ آن قرار می‌گیرد، مجموعه کتاب‌هایی است که به قصد رفع خلأهای نظری و روش‌شناختی در تمامی شاخه‌های مطالعات تاریخی در ایران، اعم از تاریخ سیاسی-اجتماعی، تاریخ علم، تاریخ ادیان و تاریخ ادبیات و هنر، فراهم آمده و البته دامنهٔ موضوعی آن تا برخی زمینه‌های پیرامونی اما مرتبط، نظیر شیوه‌های «تعلیم و تدریس» تاریخ‌پژوهی جدید نیز بسط یافته است. این مجموعه محصول اجرای یکی از طرح‌های «نیازسنجی منابع درسی و مبنایی برای دانشگاه‌ها» است که از سال ۱۳۸۱ در «سمت» آغاز گردیده و همچنان ادامه دارد.

در سال‌های نخست اجرای این طرح، مسئولیت انتخاب کتاب‌هایی برای ترجمه در این موضوعات به نگارندهٔ این سطور واگذار گردید و البته در سال‌های اخیر، پژوهشگران و همکاران دیگری نیز در این مهم «سمت» را یاری رسانده‌اند. از ابتدا اهتمام بر این بوده که انتخاب گزینه‌های ترجمه در این مجموعه بر اساس برنامه‌ای نظام‌مند و منضبط صورت پذیرد. جستجو و رصد بازار بین‌المللی کتاب، مکاتبات و رایزنی‌ها با متخصصان مربوط در خارج از کشور، و نظرخواهی از معدودی متخصصان داخلی در قالب پرسشنامه‌هایی مبسوط و خاص، از جمله مراحل این فرایند گزینش بوده، و در انتخاب کتاب‌ها، کوشش شده است تا علاوه بر اعتبار علمی و غنای محتوا، واقعیت‌های نظام دانشگاهی ایران و سطوح مختلف دانش مخاطبان نیز مد نظر قرار گیرد و حتی الامکان عناوینی مکمل یکدیگر فراهم آید.

فهرست جامع و روزآمدی از عناوین این مجموعه، در انتهای هر مجلد، جهت اطلاع خوانندگان علاقه‌مند، ضمیمه گردیده و بی‌تردید، این فهرست بر اساس

نیازسنجی آتی «سمت» گسترش خواهد یافت. نباید از نظر دور داشت که فهرست کنونی با فهرست آرمانی نخست، که از رهگذر جستجوها و رایزنی‌های گسترده حاصل آمده بود، تطابق کامل ندارد و برخی محدودیت‌های عالم واقع، نظیر قلت نیروی انسانی متخصص در جامعه دانشگاهی ایران برای ترجمه یا ویرایش علمی این گونه متون، موجب اعمال تغییراتی ناگزیر و ناخواسته در اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌های این مجموعه گردیده و حتی زمان نشر آثار را نیز برخلاف زمان‌بندی مقرر در طرح نیازسنجی اولیه رقم زده است. امید است در نتیجه اقبالی روزافزون که این سال‌ها در محافل علمی کشور به چنین مباحثی مشهود است، در آینده‌ای نزدیک، کفایتی کمی و کیفی در متخصصان این حوزه‌ها دست دهد، تا افزون بر توان ترجمه، توان تولید علم بومی نیز در این زمینه‌ها حاصل آید.

در پایان، لازم است مساعدت‌ها و مساعی تمامی متخصصان، مشاوران و مترجمانی را که در شکل‌گیری این مجموعه به گونه‌ای سهیم بوده‌اند، و نیز کوشش‌های دکتر زهیر صیامیان گرجی را، که در به ثمر رساندن چند عنوان متأخر از این مجموعه سهمی بسزا داشته است، سپاس بگزارم.

مهدی احمدی

دبیر علمی تدوین مجموعه

مقدمه مترجم

با آنکه دهه‌های متمادی از تأسیس دانشگاه و شکل‌گیری نظام آموزش و یادگیری دانشگاهی در کشور می‌گذرد، هنوز تدریس به صورت مقوله‌ای شایسته تأمل، تحقیق و یادگیری در نیامده است و بسیاری از مدرّسان دانشگاهی در رشته‌های مختلف، به صرف کسب مدرک مناسب برای تدریس در مقاطع مختلف دانشگاهی، در کلاس‌ها حضور می‌یابند و مسئولیت یاد دادن محتوای دانش مربوط به دانشجویان را بر عهده می‌گیرند. بر همین اساس، برخی از استادان در طول دوران فعالیت در مقام مدرّس، و بر اساس تجربه شخصی از تدریس، به نوآوری‌هایی در شیوه تدریس دست می‌یازند که البته بنا به تجربی بودن و پرهیز افراد از ارائه صورت‌بندی جامع از این تجربیات، غالباً با کناره‌گیری مدرّس از فعالیت تدریسی به فراموشی سپرده می‌شود. در نتیجه، شاهد آنیم که بسیاری از صاحب‌نظران متخصص در حوزه‌های علمی مختلف، با وجود بهره‌مندی از دانش کافی و ذهن خلاق، در نگاه دانشجویان مدرّسان خوبی ارزیابی نمی‌شوند؛ و گویی دانسته‌ها و آموخته‌هایشان را تنها می‌توانند در اجرای طرح‌های پژوهشی به کار بندند و محل مصرف دیگری برای آنها نمی‌شناسند.

از سوی دیگر، معمولاً میان دانشگاهیان کشور تفکیک نادرستی میان امر آموزش و امر پژوهش برقرار می‌شود که عموماً ناشی از تقلیل جایگاه تدریس در مقابل موقعیتی است که پژوهش از آن بهره‌مند است. بسیار شنیده‌ایم که دانش‌آموختگانی خود را کاملاً وقف تدریس می‌کنند و در طول هفته، ساعت‌های متمادی را بی‌وقفه به حضور در کلاس‌ها و آموزش واحدهای درسی مختلف به دانشجویان می‌گذرانند. بسیاری از این افراد، هنگامی که درباره فعالیت‌های

پژوهشی‌شان از آنها سؤال می‌شود، ترجیح می‌دهند با برجسته نمودن فعالیت‌های آموزشی خود، به گونه‌ای از امر پژوهش فاصله بگیرند. از سوی دیگر، باز هم بسیار شنیده‌ایم که استادان برجسته دانشگاهی با نالیدن از جلسات متعدد تدریس در دانشگاه، تمایل خود را به کاستن از واحدهای تدریس و اختصاص وقت به امور پژوهشی آشکارا بیان می‌کنند. این در حالی است که کمتر کسی توجه دارد که تدریس، در صورتی که با آگاهی و تأمل مناسب صورت پذیرد، خود نوعی پژوهش است؛ و پژوهش نیز در نهایت آموختن چیزهای نو به دانش‌پژوهان را یکی از غایت‌های مهم خود تعریف می‌کند. با این حال، با جست‌وجویی ساده در کارنامه حرفه‌ای بسیاری از استادان برجسته در رشته‌های مختلف دانشگاهی، به راحتی می‌توان دریافت که تقریباً هیچ یک از آنها تأمل درباره تجربه تدریس دانشگاهی در رشته خود را به گونه‌ای منظم و روش‌مند مورد کاوش و تأمل قرار نداده‌اند؛ اگر هم مطالعه‌ای درباره مقوله تدریس داشته باشند، محدود است به قرائت مباحث و نظریه‌های مطرح شده از سوی صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی آموزشی. توگویی تجربه‌های انباشته تدریس رشته‌ای نمی‌تواند میراث مفیدی برای ارتقای سطح آموزش در هر رشته ارائه کند!

این مسئله البته بیش از آنکه ناشی از کم‌توجهی یا مسئولیت‌ناپذیری مدرسان باشد، در غفلت نظام دانشگاهی از اهمیت تدریس به مثابه مقوله‌ای هم‌پایه پژوهش - یا حتی مهم‌تر از آن - ریشه دارد. با نگاهی به برنامه درسی مقاطع مختلف رشته‌های گوناگون علمی به خوبی متوجه می‌شویم که اگرچه یکی از هدف‌های تربیت دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی آماده‌سازی افراد برای تدریس در نظام دانشگاهی است، هیچ واحد درسی ویژه‌ای برای جلب توجه دانشجویان به اهمیت تدریس و زوایای مختلف فعالیت در این عرصه در نظر گرفته نشده است؛ و آنچه دانش‌آموختگان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری با خود به اولین جلسه تدریس در مراکز دانشگاهی به ارمغان می‌آورند، بیشتر ملغمه‌ای است از آنچه در مواجهه با استادان مختلف در طول دوران تحصیل خود دریافته‌اند و، در نتیجه، خود آنها هم نمی‌دانند که در کلاس از چه راهبردی برای تدریس بهره خواهند برد و در

صورتی که راهبرد اتخاذ شده برای آن کلاس مناسب نباشد، چگونه می توان تغییرات مثبتی برای افزایش کارایی و بازدهی کلاسی ایجاد کرد.

این نکته البته مختص نظام آموزشی کشور ما نیست و بسیاری از کشورهای پیشرو در عرصه آموزش عالی نیز با همین معضل در دانشگاه مواجه اند. در آنجا هم اگرچه دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی با گذراندن درس هایی در زمینه تدریس و همچنین کارآموزی عملی در مقام دستیار آموزشی استاد، از پیش تا حدودی با زمینه های این عرصه آشنا می شوند، در میان آنها کمتر کسی را می توان یافت که حاضر باشد وقت و انرژی قابل توجهی برای نگارش متنی منقح درباره ظرفیت ها و ضرورت های تدریس و یادگیری در رشته خاص خود صرف کند. به تعبیر دیگر، می توان گفت که پژوهشگران رشته های مختلف علمی، کاوش درباره مقوله تدریس و یادگیری در رشته را امری دون شأن پژوهشگر حرفه ای می انگارند و از این جهت تمایلی به آن ندارند. از سوی دیگر، نشریات علمی تخصصی نیز غالباً چندان روی خوشی به مقاله هایی از این دست نشان نمی دهند و چنین متنی را به نشریات تخصصی در حوزه تعلیم و تربیت واگذار می کنند. این غفلت فراگیر منجر به آن می شود که کمتر استادی در رشته های دانشگاهی غیر از تعلیم و تربیت به گونه ای مؤثر با نظریه ها و فرایندهای متنوع آموزش و یادگیری آشنایی داشته باشد و بتواند از آنها برای ارتقای سطح کلاس آموزشی بهره گیرد.

کتاب حاضر با بذل توجه به این نقصان در نظام آموزش دانشگاهی، مقوله تدریس و یادگیری در رشته تاریخ را موضوع خویش قرار داده است و به دنبال آن است که با بهره گیری از تجربه های استادان در حوزه های مختلف این رشته و، در کنار آن، بهره گیری از گزارش های میدانی و نظریه های موجود در عرصه تعلیم و تربیت و انطباق آن با ملزومات رشته تاریخ، از منظری نوین به این مقوله پردازد و با ارائه مباحثی تبیین گر، صورت بندی منطقی از تدریس با هدف ارتقای فهم و یادگیری دانشجویان عرضه کند. آلن بوث، نویسنده کتاب، که خود از استادان برجسته رشته تاریخ در دانشگاه ناتینگهام است، در این کتاب با محوریت بخشیدن به تدریس به مثابه مقوله ای در چارچوب ارتقای سطح فهم در میان دانشجویان، می کوشد مخاطب را با

ظرفیت‌های قابل توجه کاوش و پژوهش در زمینه مباحث مربوط به تدریس در رشته تاریخ در دانشگاه آشنا کند. خواننده با خواندن این کتاب خوشخوان به روشنی با این حقیقت روبه‌رو می‌شود که انتخاب شیوه‌های مناسب برای تدریس موضوعات مختلف به دانشجویان در مقاطع مختلف تحصیلی، و همچنین در نظر گرفتن و آشنایی با شرایطی که امکان‌های تدریس در دانشگاه را محدود می‌سازد، تا چه اندازه بر مفید بودن برنامه درسی برای تربیت نیروی مؤثر و کارآمد برای جامعه تأثیرگذار است. در واقع، در کنار مواردی چون ترسیم سرفصل‌های مناسب درسی، ایجاد امکانات سخت‌افزاری مناسب برای دانشجویان، و تهیه منابع مفید یادگیری، تدریس نیز از جمله مقولاتی است که سهم قابل توجهی در جهت‌گیری علوم انسانی در راستای حل مسائل جامعه ایفا می‌کند. مدرسی که با انتخاب شیوه مناسب تدریس در هر درس، دانشجو را به ارتباط بلافصل موضوع با زندگی روزمره خویش رهنمون می‌شود، یقیناً سهم عمده‌ای در ژرفا بخشیدن به فهم دانشجو از زوایای مختلف رشته تخصصی خود و مرتبط ساختن آن با واقعیت‌های زندگی روزمره بر عهده دارد. بر این اساس، آنچه در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است، نه تنها بهبود شیوه‌های تدریس را دربر می‌گیرد، که ارتقای سطح فهم و یادگیری دانشجویان و آمادگی آنها برای مسئولیت‌های اجتماعی پیش رو را نیز پوشش می‌دهد و در واقع، از جهات مختلف برای برنامه درسی رشته تاریخ مفید است.

با این حال، از آنجا که رشته‌های علوم انسانی نقاط مشترک بنیادین و متعددی دارند، با وجود تمرکز کتاب بر رشته تاریخ، امکان بهره‌گیری از آن در حوزه‌های آموزشی دیگر وجود دارد و حتی مطالعه آن می‌تواند الهام‌بخش پژوهش‌ها و کاوش‌های مشابه در دیگر رشته‌های علوم انسانی باشد تا در نتیجه انتشار ماحصل این قبیل پژوهش‌ها، نظام دانشگاهی علوم انسانی کشور، نخستین گام‌ها را برای تحول واقعی و جهت‌گیری به سوی حل مشکلات اجتماعی، با توجه به موقعیت‌ها و شرایط خاص زمانی و مکانی خویش، بردارد. بر این اساس، مطالعه این کتاب نه تنها به مدرّسان رشته تاریخ، که به شاغلان به تدریس در دیگر رشته‌های دانشگاهی - و به ویژه استادان علوم انسانی - مؤکداً توصیه می‌شود.

در اینجا لازم می‌دانم نهایت سپاس خود را از مسئولان سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، به ویژه آقای دکتر احمد احمدی، ریاست سازمان؛ مدیر گروه تاریخ، جناب آقای دکتر حسین مفتخری؛ آقای دکتر زهیر صیامیان، دبیر علمی گروه که در معرفی کتاب و پیشنهاد ترجمه آن پیش قدم شده، مسئولیت نظارت بر اجرای طرح ترجمه را برعهده گرفتند؛ سرکار خانم مریم شجاعی، کارشناس محترم گروه و نیز همکاران بخش ویراستاری و تدوین سازمان سمت اعلام نمایم. اقدامات نهایی برای انتشار این کتاب هم‌زمان شد با ایام بیماری و وفات نابهنگام استاد ارجمند تاریخ، دکتر صادق آئینه‌وند، شایسته است این ترجمه تقدیم شود به روح متعالی این چهره ماندگار فرهنگ ایران که تجسم آموزش خلاق و اخلاقی تاریخ در دانشگاه بودند.

سیدمحسن علوی پور